



کالبدشکافی پیمان های تجاری دوجانبه

در تجارت خارجی ایران

کمیسیون توسعه صادرات

دفترخانه کمیسیون های تخصصی

عنوان گزارش: کالبد شکافی پیمان های تجاری دو جانبه در تجارت خارجی ایران
کمیسیون: توسعه صادرات
تهیه کننده: مهندس اسداله پاک سرشت (مشاور کمیسیون توسعه صادرات)
ویراستار: فتانه امجدیان - راحله بختیاری
طرح جلد و صفحه آرا: پریسا فتوحی
انتشار: دبیرخانه کمیسیون های تخصصی اتاق ایران
شماره گزارش: ۵۸
بهار ۱۳۹۳

فهرست مطالب

صفحه	موضوع
۳.....	چکیده
۳.....	پیشگفتار
۴.....	تعریف قراردادهای تجاری
۴.....	تعریف سیاست های تجاری
۵.....	دلایل و عوامل موثر در افزایش تمایل جهانی به انعقاد پیمان های تجاری دوجانبه
۶.....	مزیت ها و دلایل موثر در گرایش کشورها به سمت قراردادهای تجاری دوجانبه
۷.....	موافقت نامه تجاری ترجیحی (PTA)
۷.....	انواع موافقت نامه های منطقه ای
۸.....	ارزیابی وضعیت پیمان های تجاری دوجانبه ایران
۱۱.....	عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی
۱۲.....	راهکارها و سیاست های اجرایی جهت تسریع در الحاق ایران WTO
۱۴.....	منابع

فهرست جدول

صفحه	موضوع
	جدول (۱): مقایسه روند افزایشی سهم خدمات
۶.....	در قراردادهای دوجانبه تجارت میان کشورها
	جدول (۲): مقایسه حجم کل تجارت خارجی، تراز بازرگانی نسبت
۹.....	صادرات به واردات با ۷ کشور در دوره ۹ ساله ۹۱-۱۳۸۳

چکیده

دسترسی به بازار کشورهای خارجی علاوه بر اهتمام در پیوستن به سازمان تجارت جهانی، از طریق انعقاد پیمان های تجاری دو یا چند جانبه برای کشورها امکان پذیر است. در این رابطه ایران یکی از کشورهای غیر فعال در انعقاد پیمان های دوجانبه تجاری است.

با عنایت به کارشکنی های امریکا و کشورهای غربی در روند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، دولت جمهوری اسلامی ایران در دهه ۱۳۸۰ با ۸ کشور پاکستان، تونس، بوسنی، ازبکستان، قرقیزستان، سوریه، ونزوئلا و کوبا و در سال گذشته با ترکیه در راستای توسعه تجارت خارجی، قراردادهای دو جانبه ترجیحی منعقد نموده که متاسفانه در این مدت نسبت به تحقق اهداف، عملکرد و تاثیر این قراردادها در افزایش حجم مبادلات تجاری و توسعه صادرات کالا و خدمات فنی مهندسی ایران ارزیابی کارشناسانه ای به عمل نیامده است.

در این باره با توجه به طولانی و پیچیده بودن فرآیند الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی، به منظور کم اثر نمودن آثار منفی تحریم های جهانی، انعقاد موافقت نامه های دوجانبه ترجیحی میان ایران و کشورهای همسایه، با هدف رقابت پذیر نمودن تولیدات داخلی، تنوع بازارهای خارجی و همسویی قوانین تجاری ایران با اصول سازمان تجارت جهانی، به منظور کوتاه کردن فرآیند الحاق، به عنوان یک الزام توسعه ای مورد تاکید است.

پیشگفتار

دسترسی به بازار کشورهای خارجی از مهمترین انگیزه های انعقاد پیمان های تجاری دو جانبه است. به طور کلی تعامل با اقتصاد جهانی از طریق سه راهکار: تجارت و سرمایه گذاری و انتقال تکنولوژی میان اقتصاد ملی و اقتصاد جهانی صورت گرفته، در این ارتباط، افزایش توان تجارت خارجی و بالا بردن سهم اقتصاد ملی در تجارت بین المللی، تنها راه جدا شدن از وابستگی اقتصاد ایران به نفت می باشد.

بر خلاف گفتمان های تخاصم آمیز دوران جنگ سرد (بر اساس بازی حاصل جمع صفر که در آن سود هر کشور در زیان کشور دیگر پنداشته می شد)، در حال حاضر در سطح گفتمان های کلان روابط بین الملل، بر تعامل و همکاری بین المللی توصیه شده و بر بازی حاصل جمع غیر صفر که متضمن کسب سود همه طرف های ذینفع است تاکید می شود.

وابستگی متقابل جهانی و ظهور شبکه های تولید و تامین جهانی موجبات منسوخ شدن راهبردهای توسعه سنتی جایگزین واردات و حتی توسعه صادرات شده و عملاً توسعه ملی، مستلزم تعامل و ادغام در شبکه های جهانی و تلاش به منظور بهره گیری از فرصت های جهانی بوده و توسعه انزوآگرایانه به تاریخ پیوسته است. بنابراین از راهکارهای سیاست های تجاری کشورها، ورود به پیمان های تجاری، دو یا چند جانبه و توجه به منطقه گرایی نوین، در راستای نیل به اهداف توسعه و شکوفایی اقتصادی می باشد.

تعریف قراردادهای تجاری دو جانبه

قراردادهای تجاری دو جانبه عموماً برای توصیف هر گونه آرایش قراردادی در مورد روابط تجاری کشورها به کار می رود. در پیمان های تجاری دو جانبه، یک کشور دسترسی به بازارهای داخلی خود را برای طرف دیگر در ازای کسب توانایی خرید و فروش کالاها و خدمات خود در درون مرزهای کشور مقابل فراهم می نماید.

قراردادهای تجاری ممکن است دو جانبه (میان دو کشور) و یا چند جانبه (میان چند کشور) منعقد و اجرایی شوند.

قراردادهای تجاری دو جانبه، عمدهً میان دو کشور منعقد می شوند، اما هر یک از دو طرف قرارداد می تواند، عضو یک منطقه تجاری و یا یک موافقت نامه تجاری دیگر باشد. (مانند توافق نامه آسه آن و چین که در آن به عنوان ASEAN + چین یاد می شود).

در پیمان های تجاری دو جانبه هدف اولویت دادن به برخی کشورها در توسعه روابط تجاری، تسهیل تجارت و سرمایه گذاری میان دو کشور که عمدتاً از طریق کاهش یا حذف تعرفه ها، سهمیه بندی واردات، محدودیت صادرات و دیگر موانع تجاری انجام می شود.

ظهور شبکه های تولید و تامین بین المللی باعث شده است که پوشش موضوعی موافقت نامه های تجاری (یا تجارت ترجیحی) هم به مرور زمان وسیع تر و عمیق تر شود به گونه ای که در حال حاضر، این موافقت نامه ها اکثراً از رویه سنتی کاهش تعرفه ها فراتر رفته و مسائلی نظیر: خدمات، سرمایه گذاری خارجی، حقوق مالکیت فکری، استانداردها و موانع فنی تجارت، اتخاذ سیاست های مشترک در مرزهای تجارت، پیوندهای پولی، گسترش و ارتقاء شفافیت بازار، کاهش هزینه های مبادلات، تدارکات دولتی، سیاست رقابتی، حل و فصل اختلافات و بعضاً محیط زیست، نیروی کار داخلی، توسعه مبادلات تجاری سرمایه ای و فناوری، گسترش و تعمیق جریان تولید بین المللی و حتی مسائلی مانند کاهش فقر، توسعه روستایی و گردشگری را در بر می گیرند.

توسعه پیمان های تجاری دو جانبه و گسترش فزاینده منطقه گرایی نوین با ویژگی های آن، نشان می دهد که اقتصاد و تولید جهان چنان در هم تنیده شده که کشورها به طور فزاینده ای به رویکردهای تعامل آمیز و برون گرایانه روی آورده و توسعه جهان معاصر بدون همکاری و هماهنگی در سطح جهانی میسر نیست.

به طور کلی پیمان های دو جانبه تجاری بخشی از راهبردهای سیاست های تجاری یک کشور می باشد. سیاست های تجاری ابزاری برای انتقال امکانات اقتصاد جهانی به داخل و نیز هدایت توانمندی ملی به بازارهای جهانی است که صادرات و واردات کالا و خدمات، سرمایه گذاری و انتقال فناوری را شامل می شود

تعریف سیاست های تجاری

سیاست تجاری، مجموعه ای از قوانین، مقررات داخلی، موافقت نامه های بین المللی، مواضع و مذاکراتی است که توسط دولت ها و با هدف دسترسی به بازار تثبیت شده و رعایت عناصر اصلی سیاست تجاری برای شرکت ها و بنگاه های داخلی توسط دولت ها اتخاذ می شود.

عناصر اصلی سیاست های تجاری در این نوع موافقت نامه ها عموماً از اصول سازمان تجارت جهانی پیروی می نمایند که در زیر به برخی از آنها اشاره می شود:

(۱) اصول عدم تبعیض و اصل دولت کامل الوداد به معنی MOST FAVORED NOTION (MFN)، اعمال امتیاز بازرگانی و یا تعرفه یکسان در مورد کلیه شرکای تجاری عضو (با این استثناء که سازمان توسعه تجارت جهانی تحت شرایط ویژه ای در ماده ۲۴ گات و ماده ۵ گاتس تحت عنوان شروط توانمند سازی و شفافیت، توافق های مربوط به سایر پیمان های تجاری و اتحادیه های گمرکی را به رسمیت شناخته است، این استثناء توانایی ورود کشورهای در حال توسعه به موافقت نامه های تجارت ترجیحی را فراهم نموده است).

(۲) برخورد و رفتار ملی با کالاهای وارداتی.

(۳) شفافیت در قوانین و مقررات اداری - قضایی به وسیله هر یک از کشورها.

(۴) تبادل امتیازات تجاری.

(۵) منع استفاده از محدودیت های مقداری.

به طور کلی سیاست های تجاری وجه غالب سیاست های اقتصادی کشورها را تشکیل داده و سیاست های تجاری را به شرح ذیل می توان تقسیم بندی نمود:

- ۱) فعال نمودن دیپلماسی تجاری، به منظور توسعه مناسبات تجاری با سایر کشورها.
- ۲) حمایت از تولیدات و بازارهای داخلی.
- ۳) جلوگیری از واردات کالاها، با هدف حمایت از صنایع نوپا، توسعه صنایع خاص و با صرفه جویی های ارزی.
- ۴) افزایش صادرات کالاها، با هدف افزایش ارزش افزوده بالا با هدف گسترش بازارها.
- ۵) محدود کردن واردات کالاها، مشابه تولیدات داخلی و یا کالاهایی که موجب افزایش کسری تراز پرداخت ها می شوند.
- ۶) تشویق واردات کالاهای سرمایه ای و یا مواد اولیه و کالاهای واسطه ای برای توسعه بخش صنعت و اشتغال مولد و ارتقاء تولید ناخالص داخلی.
- ۷) کمک و یا جلوگیری از صادرات ویا واردات کالاها و خدمات با هدف حمایت از نرخ ارز
- ۸) انعقاد موافقت نامه های تجاری با سایر کشورها بر پایه مزیت های نسبی.
- ۹) توسعه زیر ساخت های فیزیکی، انسانی و نرم افزاری، حقوقی، قانونگذاری و پژوهشی مورد نیاز سیاست های تجاری و توجه به سازگاری سیاست های مالی، ارزی، سرمایه گذاری، گمرکی با سیاست های تجاری.
- ۱۰) تعیین مزیت های تولیدی - صادراتی، تدوین اهداف و اجرای راهبردهای تحقق اهداف سیاست های تجاری.
- ۱۱) انتخاب و اعزام رایزنان بازرگانی مجرب به کشورهای هدف و افزایش تعداد رایزنان بازرگانی و ارزیابی دقیق عملکرد آنان.
- ۱۲) تشکیل اتاق های بازرگانی و یا شوراهای بازرگانی مشترک با کشورهای طرف قرارداد در راستای گسترش بازارها.

دلایل و عوامل موثر در افزایش تمایل جهانی به انعقاد پیمان های تجاری دو جانبه

در دهه های اخیر تمایل به قراردادهای تجاری دو جانبه نسبت به پیمان های تجاری چند جانبه و منطقه گرایی ها و حتی نسبت به پیوستن به سازمان تجارت جهانی (WTO) رو به افزایش بوده است.

سازمان تجارت جهانی، یکی از نمادهای برجسته همکاری بین المللی و موثرترین نهاد بین المللی در حوزه تجاری است. در حال حاضر تعداد اعضاء سازمان جهانی تجارت به ۱۵۹ عضو رسیده و کشور یمن به عنوان یکصد و شصتمین کشور در آستانه عضویت قرار دارد و ۲۴ کشور دیگر از جمله ایران هم در صف الحاق به آن قرار دارند. از طرفی حوزه های تحت پوشش (WTO) بسیار گسترده بوده و موافقت نامه های سازمان تجارت جهانی شامل: تجارت آزاد کالا و خدمات و حقوق مالکیت فکری می شوند.

به لحاظ اینکه فرآیند الحاق به سازمان تجارت جهانی، یک فرآیند بسیار تخصصی، پیچیده، طولانی و منوط به اجماع اعضاء بوده، به گونه ای که روند عضویت برای اعضاء جدید دشوارتر و سطح تعهدات آنها بالاتر است. در این فرآیند، کشور متقاضی پس از ارائه درخواست عضویت و پذیرش اعضاء سازمان، بایستی در سه حوزه تجارت کالا، تجارت خدمات و حقوق مالکیت فکری، هم در زمینه انطباق قوانین و مقررات و هم در زمینه دسترسی به بازار با اعضاء گروه کاری سازمان مذاکره نموده و به توافق دست یابند و در صورتیکه این فرآیند با مانع سیاسی خاصی روبه رو نشود و مذاکرات در چارچوبی تخصصی و فنی پیش رود، باز هم فرآیند پیوستن، سال های زیادی طول می کشد (به عنوان نمونه، الحاق عربستان و روسیه به ترتیب ۱۳ و ۲۰ سال طول

کشید و الحاق ایران هم به دلیل کارشکنی امریکا، پس از سال ها که از ارائه درخواست الحاق ایران می گذرد، هنوز در مراحل ابتدایی متوقف بوده و یک بار هم جلسه گروه کاری ایران شکل نشده و این پیچیدگی ها در مرحله پس از الحاق نیز ادامه خواهد داشت).

بررسی روند توسعه قراردادهای دوجانبه مؤید آن است که در چند دهه اخیر کشورها نسبت به انعقاد قراردادهای دو جانبه و منطقه گرایی نوین توجه فزاینده ای را اعمال نموده اند.

از دهه ۱۹۵۰ به بعد، تعداد موافقت نامه های تجارت ترجیحی فعال با اطلاع (WTO) به صورت کم و بیش مستمر افزایش یافته به گونه ای که در دهه ۱۹۶۰ حدود ۹ موافقت نامه و به تدریج به حدود ۷۰ موافقت نامه در سال ۱۹۹۰ رسیده است، پس از آن آهنگ انعقاد پیمان های

تجاری دو جانبه به شدت افزایش یافته و تا سال ۲۰۱۰ چهار برابر و به حدود ۳۰۰ موافقت نامه فعال رسیده است. در صورتیکه موافقت نامه های خارج از اطلاع سازمان تجارت جهانی را لحاظ نماییم، تعداد این پیمان نامه ها افزایش خواهد یافت.

لازم به یادآوری است که تعداد پیمان های تجاری دو جانبه در آسیا - پاسیفیک از ۵۷ مورد در سال ۲۰۰۲ به ۱۷۶ مورد در اکتبر ۲۰۰۶ افزایش یافته و سه برابر شده است. (بین سال های ۱۹۹۳ تا ۱۹۹۷ موافقت نامه های منطقه ای با نرخ ۶۶ درصد رشد یافته، در حالی که تجارت جهانی (WTO) با رشد ۳۴ درصدی مواجه بوده است). طبق بررسی های به عمل آمده تا ژوئن ۲۰۰۵ تنها کشور مغولستان عضو هیچ موافقت نامه تجارت منطقه ای نبوده است، کلیه اعضای سازمان جهانی تجارت، حداقل عضو یک موافقت نامه تجارت ترجیحی و برخی کشورها عضویت در ۳۰ موافقت نامه تجاری دو جانبه را دارا می باشند.

علاوه بر افزایش تعداد موافقت نامه های تجاری ترجیحی دوجانبه میان کشورها، تغییر ساختار اقتصادی کشورها در سال های اخیر موجب شده موافقت نامه های دوجانبه در تجارت خدمات روند روبه رشدتری نسبت به تولیدات صنعتی و کشاورزی احراز نماید. با توجه به مقایسه انجام گرفته در جدول (۱)، افزایش تجارت بخش خدمات در قراردادهای دوجانبه تجاری را تایید می نماید.

جدول (۱): مقایسه روند افزایش سهم خدمات در قراردادهای دوجانبه تجاری

سال ۲۰۰۷	سال ۱۹۹۴	سال ۱۳۹۰	بخش تولیدی - تجاری
۲۹٪	۳۲٪	۳۵٪	صنعت
۳٪	۵٪	۷٪	کشاورزی
۶۸٪	۶۳٪	۵۸٪	خدمات

ماخذ: تجارت خارجی و پیمان های تجاری دوجانبه، فاطمه فهیمی - سازمان تجارت جهانی ۲۰۱۰ میلادی

مزیت ها و دلایل موثر در گرایش کشورها به سمت قراردادهای تجاری دو جانبه:

- (۱) سهولت امکان پذیری توافقات بومی و سرعت عمل در مذاکرات توافق های دو جانبه، به دلیل درگیر بودن دو کشور.
- (۲) عدم وجود محدوده جغرافیایی برای اعضای (در مقایسه با پیمان های منطقه گرایی) و سهولت انعقاد قرارداد با هر کشور در سراسر جهان.
- (۳) سرخوردگی ناشی از به نتیجه نرسیدن بسیاری از اهداف سازمان تجارت جهانی و مذاکرات چند جانبه منطقه گرایی، در کنار مزیت های بالای توافق های تجاری دو جانبه.
- (۴) عدم امکان دخالت کشورهای سلطه گر در پذیرش اعضای و یا اتخاذ تصمیمات مطابق خواست و منافع قدرت های بزرگ.
- (۵) سهولت و سرعت عمل در انعقاد پیمان ها و دستیابی به اهداف توسعه تجاری درمقایسه با شرایط دشوار پیوستن به (WTO).
- (۶) کمتر مورد توجه قرار گرفتن پیمان های دو جانبه تجاری توسط رسانه ها و کاهش فشارهای گروه های اپوزیسیون داخلی کشورها.
- (۷) صیانت از دسترسی به بازار کشور جدید در راستای جبران از دست دادن پیمان های منطقه گرایی.
- (۸) پاسخ به تهدیدات محیط خارجی و بازگرداندن لینک های تجارت خارجی.
- (۹) دور زدن و یا حداقل کردن اثرات تبعیض آمیزی که یک قرارداد تجاری ترجیحی دیگر بر طرفین توافق تحمیل نموده است.
- (۱۰) حذف ارز واسط (دلار و یورو و سایر ارزها) و انجام معاملات تجاری با پول ملی در راستای تقویت پول ملی و توجه به مزیت های نسبی در توسعه تجارت خارجی. (نظیر اقتصادهای نوظهور موسوم به BRICS شامل: برزیل، روسیه، هند، چین و آفریقای جنوبی).
- (۱۱) بهره گیری سیاسی از قراردادهای دوجانبه تجاری، به گونه ای که این قراردادها به عنوان یک مشوق سیاسی در روابط میان کشورها به کار گرفته می شوند (از جمله نقش این قراردادها در روابط آمریکا و چین). قراردادهای تجاری دوجانبه آمریکا یکی از سلاح های آمریکا در مبارزه با تروریسم بوده و در واقع یک نوع پاداش به کشورهای دوست، برای ایجاد لینک های ژئوپلیتیکی می باشد.
- (۱۲) بهره گیری از پیمان های تجاری دو جانبه، به منظور افزایش همگرایی و یا با هدف ادغام سیاسی کشورها (نظیر قراردادهای تجاری دوجانبه میان چین و هنگ کنگ).

موافقت نامه تجارت ترجیحی (PTA)

ز انواع رایج و رو به رشد موافقت نامه های تجاری، موافقت نامه تجارت ترجیحی (Pre preferential trade agreement) PTA می باشد که به عنوان یکی از ابزارهای مهم گسترش روابط تجاری در دنیا، مورد استقبال کشورها قرار گرفته است. این موافقت نامه در حقیقت توافقی بین دو یا چند کشور بوده و هر کدام از کشورها، با رویکرد حفظ و توسعه بازارهای موجود و یا خلق بازارهای جدید صادراتی و تسهیل در دسترسی به بازار یکدیگر در تعرفه های وارداتی تخفیفاتی اعمال می نمایند، ضمن اینکه هر کشور، موانع تجاری خود را در برابر کشورهای غیر عضو حفظ می کند. در این نوع موافقت نامه ها لزومی ندارد که تخفیفات تعرفه ای برکل تجارت این کشورها تعمیم داده شود و معمولاً طبق توافق طرفین، بر تعدادی از کالاهای انتخابی، تعرفه ترجیحی اعمال می شود. اکثر موافقت نامه های ترجیحی دوجانبه به یک منطقه جغرافیایی تعلق دارند. علاوه بر موافقت نامه تجاری دوجانبه، موافقت نامه های تجارت منطقه ای نیز وجود دارد که میان دو یا چند کشور و یا چند بلوک تجاری در مناطق جغرافیایی مختلف منعقد می شوند. طبق تعریف سازمان جهانی تجارت (WTO)، موافقت نامه های تجارت منطقه ای، موافقت نامه هایی هستند که بین کشورهایی که لزوماً در یک منطقه جغرافیایی نیز قرار ندارند، منعقد می شوند و شامل اقداماتی از جانب دولت ها است که جهت تسهیل تجارت از طریق موافقت نامه های تجارت آزاد یا اتحادیه های گمرکی صورت می گیرد. از آنجایی که این موافقت نامه ها با هدف کاهش موانع بر سر راه تجارت میان شرکای تجاری و نه افزایش موانع تجاری شکل می گیرند و معیار شفافیت میان آنها رعایت می شود، جزء موافقت نامه های منطقه ای مجاز قلمداد شده اند.

انواع موافقت نامه های منطقه ای (بر پایه سطح همگرایی)

۱) موافقت نامه منطقه تجاری آزاد (Free trade agreement)

ترتیبات دارای رفتار متقابل بوده که به موجب توافقات به عمل آمده میان آنها، موانع تجاری (که فقط تعرفه ها می باشد) بین کشورهای عضو برداشته می شود، ضمن این که هر عضو مانع تجاری خارجی خود را در برابر کشورهای غیر عضو اعمال می نماید. (مانند موافقت نامه های نفتا NAFTS و سفتا CEFTA).

۲) اتحادیه گمرکی CU: (customs union).

که در سطح بالاتری از همگرایی قرار گرفته اند. در یک اتحادیه گمرکی کلیه اعضاء یک سیاست مشترک تجارت خارجی، یعنی رژیم تعرفه ای خارجی مشترک را مینا قرار می دهند (مانند اتحادیه گمرکی کشورهای جنوب افریقا SACU).

۳) بازار مشترک CM (common market)

که در سطح بالاتر از اتحادیه گمرکی قرار گرفته اند. در بازار مشترک، کشورهای عضو متعهد به کاهش محدودیت های تجاری بین اعضاء و افزایش محدودیت های تجاری در قبال غیر اعضاء بوده و ضمن حذف تعرفه های گمرکی، سیاست های یکسان گمرکی را پایه گذاری نموده و نقل و انتقال آزادانه عوامل تولید، نیروی انسانی، کار و سرمایه را نیز تسهیل می نمایند.

۴) اتحادیه پولی MU: (mometry union)

اتحادیه پولی بازار مشترکی است که اعضاء علاوه بر توافقات بازار مشترک، بر جریان انداختن پول واحدی توافق می نمایند (مانند دلار کارائیب شرقی).

۵) اتحادیه کامل اقتصادی، یا اتحادیه اقتصادی و پولی EMU: (Economic and mometary union)

این موافقت نامه عالی ترین سطح همگرایی را در برداشته و یک اتحادیه پولی است که سیاست های اقتصادی هماهنگ توسط یک اداره مرکزی تعیین و ابلاغ می شود. اتحادیه اروپا، نمونه عینی اتحادیه کامل اقتصادی است که در آن پول واحد یورو جریان دارد.

ارزیابی وضعیت پیمان های تجاری دوجانبه ایران

تعامل با اقتصاد جهانی از طریق سه راهکار:

الف: تجارت کالا، خدمات و ایده

ب: سرمایه گذاری خارجی

ج: انتقال فناوری

میان اقتصادهای ملی و اقتصاد جهانی صورت می گیرد. استراتژی توسعه ای برون گرا، نیازمند سیاست تجاری برون گرا بوده، که در قالب پیوستن به WTO و یا انعقاد موافقت نامه های تجاری دو یا چند جانبه امکان پذیر است. متأسفانه در کشور ما حضور در اقتصاد جهانی از طریق انعقاد پیمان های تجاری دوجانبه و یا الحاق به سازمان جهانی تجارت مغفول مانده و بررسی ها نشان می دهد که در حال حاضر، کشور ما (به جزء انعقاد پیمان نامه تجاری با چند کشور) در هیچ نظام تجاری قاعده مند و تعهدآوری عضویت نداشته و ایران در شمار غیر فعال ترین کشورها در پیمان های دوجانبه، منطقه ای و چند جانبه قرار گرفته است، به همین دلیل به سیاست های تجاری نظیر ایران، عبارت خود مختار (Autonomous) اتلاق شده و به دلیل فقدان سیاست تجاری تثبیت شده، دولت در هر زمان به راحتی قادر به تغییر تعرفه ها و بخشنامه ها است.

در دوره قبل از پیروزی انقلاب، ایران با هیچ تشکل توسعه یافته موافقت نامه تجارت منعقد ننموده و در این دوره ایران بدون اینکه نظام تجاری خود را اصلاح نماید با آمریکا، اروپا و ژاپن از طریق توافقنامه MFN به مبادلات تجاری با این کشورها اقدام می کرد.

در حقیقت به موجب توافق نامه MFN، بدون اینکه ایران به عضویت سازمان تجارت جهانی ملحق شود، قادر بود در مورد صادرات کالاهای خود از نرخ های پایین تعرفه ای MFN استفاده نماید و یکی از دلایلی که ایران قبل از پیروزی انقلاب تمایل موثری به عضویت در GATT نداشت این بود که ایران بدون اینکه نظام تعرفه ای خود را اصلاح نماید، از نرخ های تعرفه ترجیحی MFN و از طریق صدور فرم A به سود صادرات خود به این کشورها استفاده می نمود که پس از وضع تحریم ها علیه جمهوری اسلامی ایران، اعمال تعرفه های ترجیحی مذکور لغو گردیده است.

در دوره ۳۵ ساله انقلاب اسلامی ایران به دلیل فقدان دیپلماسی فعال اقتصادی - تجاری، درون گرایی اقتصاد و تولید، پایین بودن درجه مقاومت حضور در بازارها نزد بخش خصوصی، فقدان کنسرسیوم های صادراتی، پایین بودن روحیه اتحاد و تعامل واحدها با یکدیگر، کم توجهی مدیران و برنامه ریزان تجارت خارجی، نسبت به تنوع و دسترسی به بازارها توجه کمتری اعمال شده و تنها در سال های ۸۴-۱۳۸۰ شکل قابل قبولی از دیپلماسی اقتصادی در کشور وجود داشته که به نحو کامل از آن استفاده نشده است. در سال های ۸۴-۱۳۸۰ همگام با اقداماتی برای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بدون ارزیابی های کارشناسانه مزیت سنجی و به صورت شتابزده با تعداد اندکی از کشورها قراردادهای دوجانبه تجاری منعقد شده است.

در حال حاضر ایران با کشورهای تونس، پاکستان، سوریه، کوبا، بوسنی و هرزه گوین موافقت نامه تعرفه ترجیحی منعقد نموده، با کشور ترکیه موافقت نامه مرزی تا سقف ۱۰۰ میلیون دلار داشته و با دو کشور ازبکستان و قرقیزستان یادداشت تفاهم نامه ای دارد که واژه Agreement در این دو قرار داد قید نشده و به پیوست این تفاهم نامه ها اقلام کالایی با نرخ تعرفه های ترجیحی قید شده است. با کشور سوریه قراردادی نزدیک به تجارت آزاد منعقد شده که به نفع صادرات منسوجات سوریه به ایران می باشد.

در دولت نهم و دهم سیاست تجاری کشور بدون برخورداری از نظرات کارشناسی به سمت کشورهای امریکای لاتین سوق داده شد که در این ارتباط با دو کشور کوبا و ونزوئلا موافقت نامه تجاری ترجیحی منعقد شده است.

دیدگاه طراحان این موافقت نامه ها از سال ۱۳۸۰ به بعد بر این نظریه استوار بود، در شرایطی که امکان الحاق به سازمان تجارت جهانی در کوتاه مدت میسر نمی باشد، بهترین راهکار آن است که از فرصت ها و فضاهای ایجاد شده و از طریق موافقت نامه های دوجانبه تجاری در راستای توسعه تجارت خارجی کشور بهره گیری به عمل آید.

به طور کلی در حال حاضر، جمهوری اسلامی ایران در مجموع با ۸ کشور دارای موافقت نامه ترجیحی در حال اجرا (imforce) دارد. علاوه بر پیمان های تجاری منعقد شده میان ۸ کشور مذکور، در دوره دولت های نهم و دهم و از طریق اعزام و یا پذیرش هیات های تجاری با کشورهای همسایه و پیرامون، زیر نظر برخی استانداری ها، تفاهم نامه و یا پروتکل توسعه همکاریهای اقتصادی، تجاری، فرهنگی، سرمایه گذاری (با نام تفاهم نامه خواهر و یا برادر خواندگی) با بعضی استان های کشورهای همسایه و یا پیرامون منعقد شده که به دلیل عدم ایفای توافقی های طرفین، نقش قابل توجهی در توسعه تجارت خارجی ایفا ننموده اند.

لازم به یادآوری است که در سال ۱۳۹۲ دولت ایران با ترکیه قرارداد دوجانبه ترجیحی منعقد نموده که هنوز اجرایی نشده است. در تیر مامه ۱۳۷۵ گروه D8 شامل هشت کشور مسلمان در حال توسعه شامل: اندونزی، ایران، بنگلادش، پاکستان، ترکیه، مالزی، مصر و نیجریه به منظور ایجاد روابط مستحکم اقتصادی پیمان منطقه ای D8 را منعقد نمودند.

مشکلات ذیل بر سر راه همکاری گسترده این هشت کشور وجود دارد

ناآگاهی اعضا از توانمندی های اقتصادی یکدیگر، بعد مسافت و پراکندگی جغرافیایی، بی نیازی به کالاها و تولیدات یکدیگر، وجود موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای، کمبود تسهیلات اعتباری برای تامین مالی بهای صادرات یا واردات، کیفیت پایین کالاهای تولیدی، اختلافات داخلی و تیرگی روابط سیاسی برخی کشورهای عضو با همدیگر، مجموعه عوامل فوق باعث شده که این هشت کشور نتوانند تجارت خارجی را میان خود توسعه دهند

جدول (۲): مقایسه حجم کل تجارت خارجی، تراز بازرگانی خارجی، نسبت صادرات به واردات و رابطه مبادله تجاری کالاهای ایران با ۷ کشور

دارای موافقت نامه تجاری در دوره ۹ ساله ۹۱-۱۳۸۳

نام کشور طرف تجاری	تعداد کالاهای ایرانی مشمول تعرفه ترجیحی	تعداد کالاهای خارجی مشمول تعرفه ترجیحی	حجم کل مبادلات تجاری میلیون دلار	تراز تجاری خارجی میلیون دلار	نسبت صادرات به واردات ایران	رابطه مبادله تجاری
ازبکستان	۲۷ ردیف تعرفه ای	۲۷ ردیف تعرفه ای	۲۱۱ عدم رشد مناسب	منفی به نفع ازبکستان	کمتر از یک به زیان ایران	به نفع ایران
پاکستان	۳۳۸ ردیف تعرفه ای	۳۰۹ ردیف تعرفه ای	۶۳۸ رشد افزایشی	مثبت همواره به نفع ایران	بیشتر از یک به نفع ایران	به نفع پاکستان
بوسنی	۱۷۰ ردیف تعرفه ای	۱۷۰ ردیف تعرفه ای	۲/۷ رشد متغیر و کاهشی	منفی به نفع بوسنی	کمتر از یک به نفع بوسنی	به نفع بوسنی
تونس	۲۴۸ ردیف تعرفه ای	۱۷۲ ردیف تعرفه ای	۸۳/۸ رشد کاهشی	منفی به نفع تونس	دو سال اخیر به نفع بوسنی	در سال های اخیر به زیان ایران
کوبا	۴۴ ردیف تعرفه ای	۸۸ ردیف تعرفه ای	۱۰/۹ رشد کاهشی	متغیر و مثبت به نفع ایران	کمتر از یک به نفع کوبا	در سال های اخیر به زیان ایران
قرقیزستان	۳۰۲ ردیف تعرفه ای	۲۹۴ ردیف تعرفه ای	۲۵/۵ رشد افزایشی	مثبت به نفع ایران	بیشتر از یک به نفع ایران	به نفع ایران
ونزوئلا	۱۲۳ ردیف معاف از کاهش تعرفه ای	۸۶۶ ردیف معاف از کاهش تعرفه ای	۶۸/۲ رشد متغیر و کاهشی	مثبت به نفع ایران	بیشتر از یک به نفع ایران	به نفع ایران

ماخذ: برگرفته از آمارهای دوره ۹ ساله ۹۱-۱۳۸۳ گمرک جمهوری اسلامی ایران، کتاب مقررات صادرات و واردات و محاسبات تحقیق

- با توجه به مقایسه انجام گرفته، قراردادهای تجاری دو جانبه میان ایران و پاکستان، ایران و قرقیزستان، ایران و ونزوئلا به نفع ایران بوده ولی در مورد سایر قراردادهای تجاری، اهداف ترسیم شده محقق نشده و در برخی موارد به زیان ایران بوده است.
- در مورد قرارداد تجاری ایران با ازبکستان، در شرایطی که قبل از انعقاد قرارداد تجاری با این کشور، تراز تجارت خارجی به نفع ایران مثبت بوده، متأسفانه بعد از انعقاد قرارداد دوجانبه، تراز تجاری خارجی به زیان ایران منفی شده و زیان مهمتر، به دلیل کاهش تعرفه وارداتی پنبه و واردات ارزان پنبه ازبکستان، از سال ۱۳۸۳ بعد تولید داخلی پنبه ایران از ۱۲۰ هزار تن با ۶۰٪ کاهش به ۵۰ هزارتن تقلیل یافته و در این ارتباط، تعداد ۴۲ کارخانه پنبه و ۳۰ کارخانه بزرگ و کوچک روغن کشی از پنبه دانه تعطیل شده و ضمن کاهش اشتغال، سالیانه نزدیک به ۲۰۰ میلیون دلار بابت واردات پنبه، روغن خام و کنجاله ناشی از کاهش سطح کشت و تولید پنبه داخلی از کشور خارج می شود.

در ارتباط با موافقت نامه های منطقه ای، در حال حاضر ایران در دو موافقت نامه منطقه ای ECO و D ۸ عضویت دارد که مفاد هیچکدام از آنها تا کنون اجرا نشده است.

مهمترین تشکل تجاری منطقه ای که ایران در آن عضویت دارد اکو ECO بوده که موافقت نامه آن اکوتا Ecota نام دارد و تا کنون مفاد این موافقت نامه به مرحله اجرا در نیامده است.

طبق بررسی های به عمل آمده توسط آقای دکتر بهکیش، طی دوره ۲۰ سال اخیر، حدود ۷٪ از کل تجارت انجام گرفته توسط کشورهای عضو اکو در درون کشورهای عضو انجام شده است. در صورتی که پس از شکل گیری اتحادیه اروپا، حدود ۸۰٪ از تجارت آنها در درون خود اتحادیه انجام گرفته است.

با عنایت به این که هدف از تشکیل اتحادیه اکو، افزایش تجارت میان کشورهای عضو است. بررسی مبادلات تجاری میان کشورهای عضو اکو، نشان می دهد که اتحادیه اکو نقش چندانی در توسعه مبادلات تجاری میان اعضای خود نداشته است.

در میان کشورهای عضو اکو، ترکیه از وضعیت بهتری برخوردار بوده به گونه ای که به غیر از تجارت ایران و ترکیه که در سال ۲۰۱۰ به بعد روند رو به رشدی داشته است، حدود ۴٪ از صادرات ترکیه با کشورهای عضو اکو بوده، در صورتی که حجم صادرات ایران به کشورهای عضو اکو حدود ۲٪ می باشد. بنابراین سازمان اکو در ارتباط با گسترش تجارت میان کشورهای عضو ناتوان بوده است.

در ارتباط با گسترش تجارت میان ۵۶ کشور مسلمان عضو کنفرانس اسلامی (OIC) نیز بررسی ها موید آن است که مبادلات تجاری میان ۵۶ کشور مسلمان در سطح پایین بوده و حداکثر حدود ۱۳-۱۲ درصد از تجارت کشورهای عضو کنفرانس اسلامی بین اعضا بوده که با افزایش قیمت نفت در سال های اخیر در سطح ۱۶-۱۵ درصد ثابت مانده است.

مهمترین کشورهای عضو OIC عبارتند از: ایران، عربستان، ترکیه، امارات متحده عربی، مالزی و اندونزی که بخش اعظم تجارت ناچیز فوق میان این کشورها صورت گرفته و سایر کشورهای مسلمان عضو OIC، تقریباً مبادلات تجاری جدی با یکدیگر ندارند.

با عنایت به مفاد سند چشم انداز توسعه ایران، که در این سند بر تعامل سازنده و موثر با نظام بین المللی تاکید شده است. توسعه یک امر ملی نبوده و هیچ کشوری نمی تواند توسعه را به چارچوب مرزهای داخلی خود محدود نماید و ایران باید از تجربه کشورهای چین و روسیه درس گرفته و الزاماً بایستی اقتصاد خود را با اقتصاد جهانی ادغام نماید و پیش نیاز اصلی سیاست تجاری توسعه گرا برای ایران، پیشبرد مذاکرات الحاق به WTO و رفع تحریم ها است. بنابراین پیوستن به سازمان تجارت جهانی یک انتخاب نبوده و یک الزام توسعه ای به شمار رفته و بایستی شرایط رژیم تجاری را برای ورود به این سازمان جهانی تبعیت کنیم. به عنوان مثال، قواعد حاکم بر اکوتا ECOTA همان قواعد WTO بوده و کشورهای عضو اکو که عضو WTO نیز می باشند، نمی توانند با کشوری مثل ایران وارد توافقاتی شوند که تعهدات آنها را در WTO نقض نماید. بنابراین برای ورود به پیمان های منطقه ای، ضمن آزاد سازی تجاری، کاهش تعرفه ها و سوبسیدها و افزایش بهره وری و رقابت پذیری و توانمندسازی واحدهای تولیدی داخل و فعال سازی دیپلماسی تجاری با ارزیابی قوت و ضعف و عملکرد پیمان های تجاری منعقد شده با ۸ کشور طرف تجاری، بایستی در راستای انعقاد توافق نامه های جدید، مشخص نماییم در تولید چه کالاهای مزیت نسبی داریم و در مورد چه کالاهایی می خواهیم از مزیت دیگران استفاده کنیم، برای صدور چه کالاهایی امتیاز می خواهیم و برای ورود چه کالاهای دیگری حاضریم، امکان دسترسی به بازارهایمان را فراهم آورده و بر اساس این شاخصه ها رژیم تجاری کشور را طراحی نماییم.

در حال حاضر اقتصاد دنیا به سازمان جهانی تجارت پیوسته و وابسته می باشد و ایران و چند کشور دیگر که هنوز به بزرگترین سازمان تصمیم گیر در خصوص فرآیند های تجاری در جهان نپیوسته اند، حق تصمیم گیری و قدرت تصمیم سازی در ساختار اقتصادی جهانی را دارا نیستند. امروزه سازمان تجارت جهانی یکی از پایه های جهانی شدن، به ویژه در حوزه اقتصاد بشمار می رود به گونه ای که از یکسو کشورهای عضو می کوشند برای تسریع روند جهانی شدن و بهره گیری از منافع آن، این سازمان بین المللی را توسعه داده و جایگاهش را ارتقاء بخشند و از سوی دیگر کشورهای غیر عضو در تلاشند تا به عضویت آن درآمده و با استفاده از امتیازات عضویت در این سازمان بین المللی به توسعه اقتصادی دست یابند.

عضویت ایران در سامان تجارت جهانی

سازمان تجارت جهانی یک سازمان بین المللی است که قوانین جهانی تجارت را تنظیم و اختلافات بین اعضاء را حل و فصل نموده و با گسترش روند جهانی شدن، پیوستن کشورها به این سازمان، از ضروریات مبرم در روند ادغام جهانی شدن تجارت محسوب گردد.

جمهوری اسلامی ایران از ژوئیه ۱۹۹۶ از سازمان تجارت جهانی درخواست عضویت نموده و به مدت ۱۰ سال پشت درهای بسته این سازمان به انتظار نشست، به گونه ای که در سال ۲۰۰۵ به عنوان عضو ناظر سازمان تجارت جهانی پذیرفته شد. در مقابل گروه کاری ایران برای پیوستن به این سازمان هنوز تشکیل نشده است.

ایران در آبان ماه ۱۳۸۸، متن گزارش رژیم تجاری خود را به دبیرخانه این سازمان تقدیم نموده و بعد از آن گزارش رژیم تجاری ایران میان اعضاء سازمان تجارت جهانی توزیع گردید و سپس سازمان سوالات خود را مطرح و در اسفند ماه سال ۱۳۸۸ سری اول سوالات که حدود ۷۰۰ سوال بود به وزارت بازرگانی ایران ارسال شد و با وجود پاسخ به موقع ایران، اما در خصوص رئیس گروه کاری الحاق ایران به WTO، با آنکه توافق بر سر رئیس گروه کاری ایران صورت گرفته است، کشور آمریکا از قرار گرفتن تعیین رئیس گروه کاری الحاق در دستور جلسه شورای عمومی سازمان تجارت جهانی جلوگیری می نماید. (در حالیکه میانگین زمان عضویت سایر کشورها از سال ۱۹۹۷ به بعد حدود ۷ سال بوده است، متأسفانه بدلیل دخالت آمریکا و کشورهای غربی در این سازمان، پس از ۹ سال ایران به عنوان عضو ناظر پذیرفته شده است در واقع از ۸ مرحله الحاق، به دلیل کارشکنی آمریکا، ایران پس از ۸ سال وارد مرحله دوم به منظور تشکیل گروه کاری الحاق شده و برای تحقق عضویت مراحل متعددی را باید طی نماید.)

بنابراین تلاش ایران برای ورود به پیمان های تجاری دوجانبه و منطقه ای به منظور دسترسی به بازارهای خارجی و به عنوان تمرینی در جهت فراهم آوردن زیرساخت های عضویت در WTO بایستی مورد اولویت دولت و اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی ایران قرار گیرد.

با توجه به اصول تدوین شده سازمان تجارت جهانی از جمله:

- ۱) اصل عدم تبعیض (اصل دولت کامله الو داد و اصل رفتار ملی) از جمله اعمال امتیاز بازرگانی و تعرفه یکسان در مورد کلیه کشورهای عضو (به استثناء رعایت و به رسمیت شناختن قوانین و توافق سایر پیمان های تجاری و اتحادیه های گمرکی مانند اتحادیه اروپا و نفتا)
- ۲) ممنوعیت استفاده از محدودیت های غیر تعرفه در تجارت (سهمیه بندی، صدور پروانه واردات و ...) به گونه ای که کشورهای عضو فقط از طریق وضع تعرفه های گمرکی مجاز به حمایت از صنایع داخلی خود میباشند (تبدیل موانع غیر تعرفه ای به تعرفه ها).
- ۳) پس از حذف موانع غیر تعرفه ای، کاهش و تثبیت تعرفه های گمرکی (با استثناء در مورد محصولات کشاورزی در کشورهایی که با مشکلات در پرداخت مواجه هستند).
- ۴) برقراری نظام تعرفه های ترجیحی برای کمک به رقابت محصولات تولیدی در کشورهای در حال توسعه و مجاز دانستن اعطای امتیازات تجاری به بعضی فراورده های این کشورها جهت تسهیل رقابت با کشورهای صنعتی).
- ۵) ممنوعیت اقدام و اعمال قیمت شکنی یا دامپینگ (dumping) و فروش زیر قیمت توسط کشورهای عضو به منظور ایجاد زمینه های رقابت کارا (مانند یارانه های غیرمجاز و فروش زیرقیمت) و ارائه ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت دامپینگ، (با استثناء مجاز دانستن اعطای برخی سوبسیدها مثل سوبسیدهای تحقیق و توسعه آموزشی، خصوصی سازی و سوبسید کالاهای مصرفی که به سوبسیدهای سبز معروف می باشند).
- ۶) برخورد و رفتار ملی با کالاهای وارداتی (یکسانی رفتار تجاری در مورد کالاهای تولید داخلی و وارداتی)
- ۷) انجام مشورت در مورد سیاستهای بازرگانی با دیگر اعضاء و حل و فصل اختلافات ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره و شفاف سازی قوانین.

راهکارها و سیاست های اجرایی مهمی که جهت تسریع در الحاق ایران به WTO بایستی مورد توجه دولت و تشکل های بخش خصوصی قرار گیرد.

- (۱) بایستی بپذیریم که هیچ کشوری بدون تعامل با اقتصاد جهانی به توسعه نرسیده است، بنابراین ضمن توصیه نسبت به ورود به پیمان های تجاری دوجانبه و منطقه ای و با عنایت به پیروی این پیمان ها از قوانین WTO، مناسب ترین راهکارهای تعامل و ادغام در اقتصاد جهانی پیوستن به سازمان جهانی تجارت می باشد که بایستی در اولویت قرار داده شود.
- (۲) یکی از موانع توسعه تجارت خارجی و ادغام در اقتصاد جهانی، تحریم ها است که از طریق فعال نمودن دیپلماسی و با تدبیر و صیانت از منافع ملی، رفع تحریم ها بایستی در اولویت قرار داده شود
- (۳) توجه به آزادسازی تجاری شامل برداشتن موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای و کاهش تعرفه ها:
 - وجود موانع غیر تعرفه ای و هم چنین بالا بودن نرخ تعرفه های گمرکی، یکی از موانع الحاق ایران به WTO بوده که بایستی کاهش و در حد پایینی تثبیت شوند (در سال ۱۳۹۱ میانگین ساده نرخ های تعرفه ای بالا و حدود ۲۵ الی ۲۶ درصد بوده که در سال ۱۳۹۲ و توسط دولت یازدهم بین ۴۴ تا ۵۵ درصد کاهش یافته و به حدود ۱۲ تا ۱۳ درصد کاهش یافته اند که تحول مطلوبی بشمار می رود. در مورد طبقات تعرفه ای نیز که در سال ۱۳۹۱ حدود ۶۰ طبقه تعرفه ای وجود داشته، با توجه به تحولات اخیر به ۱۵ طبقه کاهش یافته و حداقل تعرفه نیز از ۴٪ به ۲٪ تنزل یافته است ولی هنوز در بخش منسوجات محصولات کشاورزی تعداد طبقات زیاد است).
- (۴) آزادسازی نرخ ارز: حذف هر گونه ارز سوبسیددار و حرکت به سمت ثبات ارزی، در شرایط موجود یکی از مهمترین موانع غیر تعرفه ای ایران، تخصیص ارز چند نرخه ای است که برای برخی کالاها نرخ ارز مبادله و برای گروه دیگر نرخ ارز آزاد تخصیص داده می شود که قیمت صادرات کشورهای دیگر به ایران را تحت تاثیر قرار میدهد.
- (۵) آزادسازی نرخ بهره شبکه بانکی و آزادسازی قیمت کالاها و خدمات و حذف سوبسیدها و کمک های دولتی به تولید و خدمات (به استثنای سوبسیدهای سبز)
- (۶) لغو انحصارات، امتیازات، رانت ها و تبعیض ها، سوبسیدها در تولید و قیمت گذاری کالاها و خدمات دولتی، شبه دولتی و بخش خصوصی به منظور ارتقاء کارایی، بهره وری و رقابت پذیری کالاها و جلوگیری از انحراف قیمت ها
- (۷) اجرای واقعی اصل ۴۴ قانون اساسی و واگذاری شرکت های دولتی به بخش خصوصی و جلوگیری از ایجاد شبه دولتی ها
- (۸) تخصیص بهینه منابع به وسیله سازوکار بازار
- (۹) اهتمام نسبت به کاهش نرخ تورم به عنوان مهمترین عامل بازدارنده تولید و غیر رقابتی شدن تولیدات داخلی، که این مهم در دولت یازدهم مورد توجه قرار گرفته است.
- (۱۰) فعال نمودن بازار سرمایه و هدایت تامین مالی شرکت های بزرگ به بازار سرمایه و تخصیص منابع بانکی به واحدهای کوچک و متوسط مقیاس بر پایه توجیه پذیری پروژه ها و امتیاز سنجی اهلیت سرمایه گذار
- (۱۱) جلوگیری از صدور بخش نامه های بازدارنده روند تولید داخلی و تجارت خارجی
- (۱۲) کاهش هزینه های تحمیل شده (هزینه های تبدیل، نااطمینانی و هزینه های مبادله)
- (۱۳) تغییر و تحول در بازار جهانی نفت به بخش صنعت و صنایع وابسته به گونه ای که کسب درآمدهای نفتی آسان نبوده و باید به دنبال کشورهای جدید مصرف کننده نفت بوده و اقتصاد نفتی ایران بایستی به نفع نسل های آینده کنار گذاشته شود و ارز مورد نیاز کشور بایستی از طریق توسعه صادرات غیر نفتی با ارزش افزوده بالا تامین شود که نیازمند دسترسی به بازارهای جدید از طریق ورود به پیمان های تجاری و به ویژه پیوستن به WTO می باشد.
- (۱۴) تغییر مشتریان مصرف کننده نفت ایران از کشورهای اروپایی به کشورهای آسیایی (به ویژه شرق آسیا) و الزام در برقراری ارتباط با مشتریان جدید. (زیرا رشد اقتصادی در شرق آسیا بالای ۵ درصد بوده و در ۲۰ سال آینده از مصرف کنندگان عمده انرژی خواهند شد).

- ۱۵) در برخی کشورها از جمله کشورهای نفتی خاورمیانه، ایران و انگلیس، و در مقابل با کشف منابع جدید نفت سنگین و shale gas، در امریکا، استرالیا و بخشی از قاره آفریقا به گونه ای که در صورت افزایش مجدد قیمت نفت، استخراج منابع جدید نفت و گاز را اقتصادی نمود و فروش نفت ایران با کمبود مشتری مواجه خواهد شد.
- ۱۶) کاهش ذخایر نفتی به لحاظ تاثیر سوخت های فسیلی در ایجاد گازهای گلخانه ای و افزایش درجه حرارت هوا، توجه کشورها به تولید منابع و انرژی های جایگزین نظیر: انرژی های بادی، خورشیدی و هسته ای و یا تولید سوخت های گیاهی، همگی منجر به کاهش مشتریان نفتی ایران می شود و حتی اگر تحریم ها برداشته شود، مجموعه این عوامل به انضمام استخراج shale gas، مانع افزایش صادرات نفت ایران خواهد شد.
- ۱۷) افزایش جمعیت کشورهای نفت خیز صادر کننده نفت، نظیر ایران باعث می شود که به دلیل افزایش مصرف داخلی، صادرات نفت به کمترین مقدار خود تنزل می یابد، در این صورت اقتصادهای وابسته به نفت با مشکلات جدی مواجه خواهند شد (در مورد ایران اگر در بخش استخراج گاز سرمایه گذاری های کلان صورت گیرد، امکانات جدیدی برای کشور فراهم خواهد شد).
- ۱۸) اقتصادی شدن استخراج گاز از منابع shale gas در امریکا، قیمت نفت و گاز و انرژی را در این کشور ارزان نموده و امکان صادرات و رقابت امریکا در عرضه گاز به شرق آسیا به زیان بازار نفت ایران را تسهیل می نماید.
- ۱۹) با توجه به تغییر مشتریان نفت ایران از اروپا به شرق آسیا، تجارت خارجی ما عمدتاً به سمت شرق آسیا و کشورهای متمایل خواهد شد که نفت ایران را خریداری می نمایند.
- ۲۰) رژیم تجاری ایران تا به حال بر پایه اقتصاد متکی به نفت و با تعرفه بالا برای واردات پایه گذاری شده که به اقتصاد غیر رقابتی تبدیل شده است، در این رابطه ضمن تاکید بر افزایش تعداد پیمان های دوجانبه با کشورهای همسایه بر پایه مزیت نسبی در راستای پیوستن به پیمان های منطقه ای و یا به WTO، اقتصاد ایران بایستی رقابتی شده و تحت فشار قرار گیرد و برای اینکه رقابتی شود، باید بهره وری نیروی کار و سرمایه افزایش یافته و سوبسیدهای غیر مجاز و رانت ها و انحصارها حذف شوند.

منابع

تجارت خارجی و پیمان های تجاری دوجانبه، فاطمه فهیمی- سازمان تجارت جهانی ۲۰۱۰ میلادی
برگرفته از آمارهای دوره ۹ ساله ۹۱-۱۳۸۳ گمرک جمهوری اسلامی ایران، کتاب مقررات صادرات و واردات و محاسبات تحقیق